

کم و بیش دهه چهارم از عمر زمین شناسی سیستماتیک که در سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی شروع شده بود را پشت سر گذاشته ایم. در این زمان به نسبت کم و با توجه به محدودیت‌های آن بسیاری از مسائل زمین شناسی و معدنی کشورمان را که روزگاری ناشناخته (به جز ساختارهای نفتی زاگرس) بود شناسایی نموده ایم و بواقع دانسته‌های آن زمان ما از زمین شناسی و ذخایر معدنیمان که در دهه‌های ۳۰-۱۳۲۰ در حد صفر و شاید هم زیر صفر بود به انبوهی از دانسته‌های گرانها تغییر یافته است. امروز، سطح کشور را زیر پوشش نقشه‌های با مقیاس ۱:۲۵۰,۰۰۰ داریم و با روندی که تهیه نقشه‌های با مقیاس ۱:۱۰۰,۰۰۰ به پیش می‌رود می‌رویم که در آینده نزدیک این اطلاعات را به شناسایی کامل توان‌های بالقوه مملکت از این دیدگاه برسانیم. شاید ذکر مثال‌های زیاد در مورد مقایسه وضعیت گذشته و حال لازم نباشد. برای مثال، سازند شمشک که زغال‌سنگ آن از گذشته دور در قالب معدنکاری «شدادی» جهت استفاده از انرژی آن مورد استفاده بود، فقط به صرف رخنمون‌های سیاه‌رنگ از رگه‌های زغالی که در سطح به چشم دیده می‌شدند، مورد کندوکاو بهره‌برداری‌های موضعی قرار می‌گرفتند بدون آنکه بهره‌بردار اصولاً زغال‌سنگ چیست، در چه شرایطی تشکیل می‌شود و در نهایت کجا و چگونه بایستی مورد پی‌جویی قرار گیرد و اگر برای نمونه رگه‌ای در حین استخراج ناپدید می‌شد (که در اصطلاح معدنکاری سنتی به آن «بغوم» نمودن گفته‌اند) چگونه آن را ردیابی بنماید نمی‌دانست و بطور کلی چیزی به نام گسله یا گسل خوردگی با معنی زمین شناسی امروزی آن در فرهنگ‌هایمان نیز وجود نداشت. این عدم آگاهی‌ها تا آن اندازه بود که عبارت "Geologic Fault" را یکی از مترجمان «تفسیر زمین شناسی» ترجمه نموده بود. زمانی که بررسی‌های سیستماتیک زمین شناسی ایران در اوایل دهه چهل آغاز شد، می‌توان به جرات گفت حتی یک سازند شناخته و نامگذاری شده (بجز سازندهای زاگرس) وجود نداشت و اسامی که برای سازندها به کار گرفته می‌شدند (مانند لایه‌های زغال‌دار، لایه‌های زغال‌دار و ماسه‌سنگ - فورماسیون قلعه بولاغ) بر پایه پندارهای زمین شناسان خارجی و نامگذاری سلیقه‌ای یا محلی بود.

شادروان آسرتو که در سال ۱۳۴۳ به عنوان یک دانشجو به ایران آمده بود با کمک‌های سازمان زمین شناسی کشور بخشی از البرز مرکزی را در قالب رساله دکترا مورد مطالعه سیستماتیک قرار داد و در این رهگذر و با یک کار بیاد ماندنی تعدادی سازند را برای اولین بار معرفی نمود که شالوده‌ای شد برای فرهنگ چینه‌شناسی ایران در البرز و همزمان، با بررسی‌های زمین شناسی که در نقاط مختلف ایران مانند ایران مرکزی، کپه‌داغ، سندج- سیرجان و خاور ایران به وسیله کارشناسان سازمان و شرکت ملی نفت ایران صورت گرفت، حاصل آن فرهنگ چینه‌شناسی ایران شد که در سال ۱۳۵۱ چاپ و منتشر گردید. این فرهنگ در چاپ بعدی با تجدید نظرهای لازم و اضافه شدن تعدادی سازند جدید عصای دست زمین شناسان ایران شد که امروز هم پس از گذشت نزدیک به ۴۰ سال هنوز مورد استفاده هستند.

با تأملی کوتاه در این زمینه بدون شک همه دست اندرکاران علوم زمین به کار پرمایه و گران‌سنگ همه آنها که به گونه‌ای در مطالعات جمع‌آوری، تنظیم، معرفی و چاپ سازندهای ایران زمین متحمل رنج و زحمت شده‌اند به دیده بسی احترام می‌نگرند و بر کار همگی آنها ارج می‌نهند که در این هیچگونه جای شکی نیست ولی ...

امروز با گذشت نزدیک به چهل سال و گرد آمدن بسیاری دانسته‌های جدید و در واقع گام‌های برداشته شده در راه تکمیل و تکامل دانسته‌های قبلی، می‌دانیم که بسیاری از سازندهای رسمی و غیر رسمی ما به ویژه بعضی برش‌های نمونه ویژگی‌های کامل یک سازند را ندارند و این بدان معنی است که یا باصطلاح همبری‌های مشخصی با واحدهای سنگی معین از دیدگاه سنی ندارند و یا بعنوان مثال همین سازند در محل‌های جغرافیایی دیگر دارای برون زدهای بهتر با همبری‌های مشخص‌تر، و از همه مهم‌تر ستری هستند. از نمونه‌های بارز این مثال سازند کالشانه (مشخص نبودن همبری آن با واحدهای زیرین و زبرین) و سازند شمشک است که می‌دانیم در بسیاری جاها (مانند طزره) این سازند بیش از ۳۰۰۰ متر ستری داشته و ویژگی‌های کاملی در کمر بالا و کمر پائین آن دارد. در حالی که در برش نمونه فقط ۱۰۳۳ متر است، آنهم با کاستی‌هایی که از دیدگاه فون‌های سنگواره‌ای دارد ما در بسیاری موارد هنوز یک برش نمونه برای بعضی سازندهایمان نداریم در البرز بویژه البرز مرکزی و خاوری علیرغم وجود رخنمونهای گسترده و ستر (گاهی بیش از ۵۰۰ متر) از کرتاسه بالایی هنوز محلی را حداقل در حد یک

سازند غیر رسمی از آن سراغ نداریم که جوابگوی نیازهای اولیه زمین شناسان باشد. سازندهایی مانند بایندر، لالون، میلا ... و بسیاری دیگر از سازندها احتیاج به بازنگری و در بعضی موارد دگرگونی کامل دارند. بعضی سازندها (مانند زیارت) محل جغرافیایی مشخصی نداشته، ضمن آنکه این سازند ویژگی‌های لازم به عنوان یک سازند رسمی را ندارد و بایستی آهک‌های نومولیت‌دار ائوسن را با دیدگاه‌های جدید و دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد.

ما بر این باوریم که امروز وقت آن رسیده که با همت و پایداری شما پژوهشگران و محققین عالیقدر این مهم را به انجام برسانیم. فصلنامه علوم زمین پذیرای همه گونه پیشنهادها و انتقادهای سازنده و چاپ مقالات شما دانش پژوهان، محققین و دانشجویان گرامی می‌باشد. باشد که بتوانیم در این زمینه طرحی نو در اندازیم. این سخن را در شماره‌های آینده پی می‌گیریم.